نگاهی به حضور شهروندان افغان در ایران

دکتر سمیه مروتی
پژوهشگر در مرکز مطالعات پیشرفته خاورمیانه

اتباع افغانستان طی دهه‌های اخیر وابسته به شرایط داخلی در این کشور به سمت کشورهای همسایه ازجمله ایران هجوم آورده‌اند که نتیجه آن شکل‌گیری چندین موج عظیم مهاجرت اتباع افغان به خاک جمهوری اسلامی ایران و دیگر کشورهای همسایه در حداقل چهار دهه اخیر است. این مهم هنگامی توجهات را به خود جلب کرد که پس از قدرت‌گیری طالبان در مرداد ۱۴۰۰ (اوت ۲۰۲۱) موج چند میلیونی اتباع افغانستان در پناه نگاه انسان‌دوستانه، روایت‌سازی رسانه‌های افغان و فضای مجازی، فشار جمعیت افغان‌های مقیم ایران و ورود سلبریتی‌ها، در کنار نبود رویکرد واحد در میان مسئولان سیاسی، امنیتی و نظامی جمهوری اسلامی ایران، وارد کشور شدند.

حضور افغان‌ها در ایران پیش از سال ۱۳۹۸ به واسطه سال‌ها زیست در جامعه ایرانی به تدریج به سمت اُخت‌پذیری با هنجارهای جامعه ایرانی و تلاش برای «پذیرش» اجتماعی و ساخت «تصویر» نو از جامعه افغان در اذهان مردم ایران درحال حرکت بود. پس از قدرت‌گیری طالبان و ورود میلیون‌ها افغان به خاک ایران آنهم در بازه زمانی بسیار کوتاه جامعه ایرانی را غافلگیر کرد. این غافلگیری هنگامی شکل عینی به خود گرفت که تجمع‌های چندهزار نفری افغان‌ها در میادین اصلی شهر، پارک‌ها و مناطق تفریحی در فضای مجازی بازتاب پیدا کرد. نقطه عطف آن آب‌تنی و آب‌بازی افغان‌ها در میدان نقش جهان اصفهان و مسابقه اسکیت در دریاچه چیتگر تهران بود. با فرونشست فضای احساسی و کم‌رنگ‌شدن مبارزات جبهه مقاومت، فضای عاطفی به کناری رفت و جای خود را به پرسش‌گری شهروندان ایرانی از مسئولان در قبال آینده حضور اتباع افغانستان در ایران داد.

سبک رفتاری متفاوت افغان‌های جدیدالورود

آنچه این روزها با عنوان «اخراج اتباع خارجی، مطالبه ملی» در فضای اجتماعی بازنمایی می‌شود تا اندازه بالایی نتیجه رفتار و زیست افغان‌ها در جامعه ایرانی است. رفتار را اگر به معنای واکنش فرد در یک محیط خاص بدانیم، درنتیجه، هر یک از ما نسبت به افراد، رخدادها و شرایط موجود در آن عکس‌العمل‌های متفاوتی از خود نشان خواهیم داد. از این منظر، افرادی که در شرایط مختلف عکس‌العمل‌های شبیه هم دارند را در یک «سبک رفتاری» طبقه‌بندی می‌کنند. هر فرد دارای رفتارهای طبیعی و پایدار که برآمده از باورها، ارزش‌ها و تمایلات درونی او؛ و رفتارهای تطبیق‌یافته که ناپایدار است و تابع شرایط و موقعیت‌های مختلف. بر این اساس، سبک رفتاری اتباع افغان در ایران محل توجه بسیار است. فارغ از الگوهای فرهنگی، اجتماعی و آینده‌نگرانه، اتباع افغان «تجربه زیسته» بسیار متفاوتی با شهروندان ایرانی به خصوص شهروندان ساکن مادرشهرهایی چون تهران، اصفهان و شیراز و کرج داشته‌اند. حضور بدون برنامه و بدونِ مدیریت افغان‌ها در شهرها از صور مختلف موجبات تأمل مقامات نظامی و امنیتی، کارشناسان آسیب‌های اجتماعی و مردم عادی شده است. این مهم از این‌رو، توجهات بسیاری را به خود جلب کرده که سبک رفتاری افغان‌های جدیدالورود حداقلِ تطابق را با افغان‌های پیش از ۱۳۹۸ داشته است؛ به‌طوری‌که بخشی از پس‌زدنِ جامعه ایرانی بسته به رفتارهای اتباع افغانستان بوده است که آنها را نسبت به پیش‌فرض‌های خود نسبت به افغان‌ها یعنی نیروهایی صادق، کوشا، سختکوش، قانع و پاکدست مردد کرده‌اند.

افغان‌های پس از ۱۳۹۸ محذورات و

***آنچه این روزها با عنوان «اخراج اتباع خارجی، مطالبه ملی» در فضای اجتماعی بازنمایی می‌شود، تا اندازه زیادی نتیجه رفتار و زیست افغان‌ها در جامعه ایرانی است**

هراس‌های افغان‌های پیش از ۱۳۹۸ را ندارند و اینهم به دلایل مختلف ازجمله افزایش دسترسی‌ها، فضای اجتماعی، رسوب افغان‌ها (ارتباطات خانوادگی و فامیلی) به جامعه ایرانی و حمایت از اسکان‌های اولیه است؛ زیست افغان‌های پیش از ۱۳۹۸ تاحد زیادی در گرو پذیرش ازسوی جامعه ایرانی و اخت‌پذیری اجتماعی بود. از این‌رو، مطالبات خود را ذیل بده‌بستان اجتماعی تعریف می‌کردند به این معنا که نسل سوم افغان‌های حاضر در ایران، تحصیلکرده مدارس ایران، دانشگاه‌ها و مراکز مذهبی ایرانی بوده و با هنجارها و رسوم ایرانی آشنا و بدان احترام می‌گذارند و تلاش حداکثری در ایجاد حداقل تقابل و تضاد با جامعه ایرانی را مبذول می‌داشتند و این تلاش نیز باعث «پذیرش» تدریجی افغان‌ها به‌عنوان شهروندانی کوشا و پاکدست در جامعه ایرانی شده بود.

یک‌دهم جمعیت ایران افغانی است

این نکته را نیز نباید از نظر دور داشت که برابر گزارش‌های اداره اتباع وزارت کشور و گزارش‌های تأییدنشده دیگر، شمار افغان‌های ساکن ایران پیش از ۱۳۹۸ از ۳ تا ۵ میلیون نفر بوده که این جمعیت در بازه زمانی ۳۰ سال به تدریج در شهرها و روستاهای ایران پراکنده شده بودند. درحالی‌که، با ورود افغان‌های پس از ۱۳۹۸ جمعیت افغان‌های حاضر در ایران در بازه زمانی دو ساله به یکباره (برابر گزارش‌های تأیید شده و نشده) به عددی حدود ۶ تا ۱۲ میلیون نفر رسید. این رقم یعنی افغان‌ها به یکباره یک‌دهم جمعیت حاضر در ایران را به خود اختصاص دادند. افزوده حدود ۶ میلیون نفری (به صورت تخمین) که بخش اعظم آنها تجربه زیست شهری نداشته‌اند و اسکان آنها در مادرشهرهایی چون تهران حائز پیام‌ها و پیامدهای جدی برای جامعه ایرانی شد.

باید پذیرفت، یکی از معضلات حوزه اتباع خارجی با تأکید بر اتباع افغانستانی حاضر در ایران، تک ساحتی دیدن و «ساده‌سازی» مسئله است. به تعبیر بهتر، تا زمانی‌که، سیاست‌گذار «تصویر کامل و درستی» از مسئله فوق پیش چشم نداشته باشد، نمی‌تواند «عمق بحران» و به تبع آن «ضرورت اولویت‌دار کردن» آن را درک کند. در سال‌های اخیر، آنچه باعث راکد ماندن سطح شناختی از کشور افغانستان و همچنین اتباع افغان حاضر در ایران شده

***برابر گزارش‌های اداره اتباع وزارت کشور جمعیت افغان‌های ساکن ایران پیش از سال ۱۳۹۸ از ۳ تا ۵ میلیون نفر بوده که این جمعیت در ۳۰ سال در شهرهای ایران پراکنده شده بودند، در حالی که با ورود افغان‌های پس از سال ۱۳۹۸، جمعیت آنها در دو سال برابر گزارش‌های تأیید شده و تأیید نشده به عددی حدود ۶ تا ۱۲ میلیون رسید**

است، نگاه «خویش‌پنداری»، «از بالا به پایین»، «بی‌ارزش‌انگاری» و خود عالم‌پنداری برخی اشخاص مسئول در این حوزه است. به این معنا که، آشنایی با یک افغان را به منزله شناخت جامعه افغان‌های حاضر در ایران و یا کل افغانستان دانسته‌اند. نگاه سطحی به مسئله یکی از دلایل مهم، راکد ماندن بخش پژوهش و سیاست در حوزه شناخت دقیق لایه‌های مختلف اقلیمی، مردمی، قومی و مذهبی این کشور شده است.

از این‌رو، پذیرش اتباع افغان حاضر در ایران به‌عنوان یک مسئله چندساحتی بسیار مهم است. میان افغانِ پیش و پس از ۱۳۹۸ باید تفاوت قائل شد؛ میان افغانِ ساکن در شهرهای غربی و شهرهای بزرگ با افغانِ روستازاده و ساکن مناطق شرق و جنوب شرق باید تمییز قائل شد. میان افغانی که تجربه همکاری با نهادهای بین‌المللی، سفر به دیگر کشورها، استفاده از دانش و داشتن مهارت را با افغانستانی که در مناطق روستایی زندگی کرده و یا تجربه استفاده از سلاح را داشته باید به نگاهی متفاوت برخورد کرد. قرار دادن افغان‌ها

در یک بسته‌بندی واحد یک خطای شناختی با پیامدهای جبران‌ناپذیر برای کشور است.

لزوم فهم درست از پیامدهای رهاشدگی افغان‌ها در ایران

باید پذیرفت فهم درستی از آثار و پیامدهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و امنیتی این حضور بر کشور و مردم وجود ندارد. همچنین، برنامه مشخصی نیز برای زیست کوتاه، میان و بلندمدت آنها در ایران دیده نمی‌شود؛ بی‌برنامگی و رهاشدگی مسئله از یک سو تصویر اقتدار حاکمیت را در پیش چشم مردم می‌شکند و ازسوی دیگر، اتباع افغانستان حاضر در این کشور را نیز برای پیوستن به فوج جمعیت افغان در ایران، وسوسه می‌کند. درنتیجه، «تدوین دستورکار مبتنی بر تصویر آینده» باید در اولویت قرار گیرد. بی‌شک این مسئله را باید در چند فاز دید و پذیرفت مسئله افغان‌ها در یک روز و یک سال قابل حل نیست و از این‌رو، باید برنامه‌ای چند مرحله‌ای

***افغان‌هایی که پس از سال ۱۳۹۸ وارد ایران شده‌اند، محذورات و هراس‌های افغان‌های ورودی پیش از ۱۳۹۸ را ندارند**

برای آن تدوین کرد.

در این مسیر، گام نخست «شناخت درست» مسئله است؛ استفاده نابجا از واژه «مهاجر» برای کل افغان‌های حاضر در ایران دستِ سیاستگذار و مجریان قانون را در ایران برای اقدامی شایسته در این حوزه بسته است. باید خط مشخصی میان اتباع قانونی و غیرقانونی افغانِ حاضر در ایران رسم کرد تا با اتکا به

***باید پذیرفت که فهم درستی از آثار و پیامدهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و امنیتی حضور این جمعیت افغان بر کشور و مردم ایران وجود ندارد، بی‌برنامگی و رهاشدگی از یک سو تصویر اقتدار حاکمیت را می‌شکند و از سوی دیگر مشوق پیوستن فوج جمعیت افغان به هم‌میهنانشان در ایران می‌شود**

آن رویکرد درستی نسبت به مسئله اتخاذ کرد؛ چراکه تعمیم نگاهی یکسان به افغان‌های پیش و پس از ۱۳۹۸ در واقع، هزینه‌های متنابهی را نیز در میان‌مدت و بلند مدت عاید افغان‌های واجد برگه اقامت و حضور قانونی در ایران خواهد کرد. در این مسیر باید فاصله‌ای حداکثری از نگاه احساسی داشت و پذیرفت توان و ظرفیت دولت جمهوری اسلامی ایران برای ارائه خدمات به شهروندان ایرانی محدود است و در شرایط حاضر تنها می‌توان به ارائه خدمات به بخشی از شهروندان خارجی حاضر در ایران بسنده کرد.

انداختن مسئولین ایرانی در تنگنای نگاه بشردوستانه و ارائه خدمات «حداکثری و دائمی» به شهروندان خارجی تفاوت معناداری با رویکردهای جامعه جهانی دارد. جامعه جهانی ارائه خدمات بشردوستانه را تنها در بازه زمانی مشخص و در جغرافیای قابل مدیریت مجاز می‌دانند. خلط مبحث و استفاده گزینشی از مباحث حقوق بشری باهدف در تنگنا قرار دادن دولت ایران تبدیل به یکی از چالش‌های جدی نهادهای مدنی و دولتی در موضوع اتباع بیگانه شده است. استفاده هدفمند از واژه «اتباع افغان» و «مهاجرین» به تمییز قایل نشدن میان اتباع قانونی و غیرقانونی از زمره مسائلی است که باید به دقت بدان توجه داشت. چالش «استفاده ابزاری از واژگان» را می‌توان در موضوعات مختلف لحاظ کرد که از آن زمره «حادثه خودروی حامل اتباع افغان» است که در آن حادثه نیروی انتظامی برای توقف

***استفاده نابجا از واژه «مهاجر» برای کل افغان‌های حاضر در ایران، دست سیاستگزار و مجریان قانون را در ایران برای اقدامی شایسته در این حوزه بسته است**

خودروی حامل اتباع اقدام کرد و در نتیجه آن چند تبعه کشته شدند. فضای احساسی پس از این حادثه را باید به عنوان یک شاهد مدعا برای همیشه مدنظر قرار داد. آنچه پلیس ایران انجام داد «مبارزه با قاچاق انسان و انتقال اتباع غیرقانونی در چارچوب سرزمینی» کشور بود ولی آنچه بازنمایی شد «مرگ اتباع افغانستان» در نتیجه مداخله پلیس ایران و سوارشدن بر موج احساسات بود.

در این ارتباط مثال‌های بسیاری را می‌توان به مدد گرفت؛ ولی آنچه واقع است استفاده ابزاری از واژگان و فراموشی تعمدی نسبت به حوزه اقدام دولت ملی است. انتخاب گزینشی از واژگانی نظیر حوزه تمدنی و چرایی اهمیت مرزهای ملی در موضوع اتباع افغانستان در کنار اهمیت دادن به موضوع دولت مستقل و انتخاب عقلانی و منافع ملی آن در موضوعاتی نظیر حقابه قابل تأمل است.

لزوم ممانعت از الگوشدگی مهاجرت افغان‌ها

در این میان نکته دیگری که باید به آن به صورت جدی توجه داشت؛ «الگوشدگی» مهاجرت افغان‌ها به ایران است یعنی حضور توده‌ای و افسارگسیخته و آشفته افغان‌ها به داخل ایران و نحوه مواجه دولت جمهوری اسلامی ایران با آن، یک تصویری را به خارج از کشور ارائه داده است. این تصویر باعث تخریب تمامی تلاش‌های قبل از خودش شده و مثلاً فردی که در پاکستان نشسته یا در کشور دیگر با خودش می‌گوید. پس منهم می‌توانم از این مرزها عبور و در داخل ایران زندگی کنم؛ راه‌حل الگوی مهاجرتی گله‌ای و توده‌ای است. با تأکید به پاکستان اشاره کردم زیرا یکی از اولویت‌های امنیتی و تهدیدهائی که در سه سال اخیر مجامع بین‌المللی از آن یادکرده‌اند مسئله جابجایی جمعیت در پاکستان است. اینهم دلایل متعدد دارد؛ بحران‌های سیاسی و امنیتی، سیل‌ها و بحران‌های اقلیمی که تقریباً یک سوم خاک این کشور را در ۶ ماه فرامی‌گیرد. باتوجه به جمعیت چندصد میلیونی پاکستان کافیست تنها یک‌صدم این جمعیت به سمت مرزهای ایران حرکت کنند. فارغ از توفیق برای عبور، آنچه رخ می‌دهد افزایش هزینه‌های امنیتی کشور و فرسایش توان و

***انداختن مسئولین ایرانی در تنگنای نگاه بشردوستانه و ارائه خدمات «حداکثری و دائمی» به شهروندان خارجی تفاوت معناداری با رویکردهای جامعه جهانی دارد**

ظرفیت نیروهای نظامی، انتظامی و امنیتی خواهد بود.

ضرورت برنامه‌ریزی برای مهاجرپذیری آگاهانه

موضوع دیگر روایت‌سازی درباره ضرورت حضور افغان‌ها در ایران است که با همکاری آگاهانه و شاید ناآگاهانه برخی اتفاق می‌افتد. درحالی که، یک الگوی مشترک و تجربه شفاف در این ارتباط دنیا دارد. برای مثال کشور کویت و امارات که در بسیاری از رسانه‌های فارسی‌زبان بدان اشاره می‌شود که درصد بالایی از جمعیت آن را مهاجران تشکیل می‌دهند. باید پذیرفت شرایطشان با ایران فرق دارد. دوم آنکه، شرایط مهاجرت به این کشورها ولو به‌عنوان نیروی کار مشخص است؛ مهاجر کاری اجازه مهاجرت گروهی و خانوادگی مگر شرایط خاص ندارد. مهاجرت از طریق آژانس‌های مهاجرتی خاص صورت می‌پذیرد و مهاجر برای کار مشخص، منطقه مشخص و حوزه عمل مشخص و بازه زمانی مشخص برگزیده می‌شود. به معنای بهتر، فرد ذیل ضوابط قانونی مشخص وارد این کشورها می‌شود و تمامی اطلاعات وی ثبت و قابل پیگیری و پیگرد قانونی است. در این شرایط مدیریت حضور و اقدام شهروندان خارجی سهل خواهد بود. از دیگر روایت‌هایی که در حوزه اتباع بیگانه رخ داده، وابستگی بخش کشاورزی و صنعت ایران به نیروی کار افغان است. اگرچه این مسئله تاحد زیادی شامل حال اتباع افغان پیش از ۱۳۹۸ می‌شود؛ باید توجه داشت در صورت صحت این ادعا این مسئله باید از صور مختلف با تأکید بر چالش‌ها و آسیب‌های آتی آن مورد توجه قرار گیرد آنهم در شرایطی که آمار بیکاری در ایران به خصوص در استان‌هایی نظیر سیستان و بلوچستان و کرمان بسیار بالاست و در صورت نیاز به نیروی کار می‌توان برنامه‌ای بلندمدت برای جذب شهروندان ایرانی ساکن در دیگر استان‌ها ترسیم کرد. موضوعی که یکی از مهمترین چالش‌های حکمرانی کشور در سال‌های اخیر بوده یعنی فقر و بیکاری.

سخنگوی دولت درحاشیه جلسه دولت:

با تجمعاتی که نظم و آرامش جامعه را برهم می‌زند، برخورد خواهد شد

سخنگوی دولت اعلام کرد که با شناسایی بانیان، با تجمعاتی که نظم و آرامش جامعه را برهم می‌زند، برخورد خواهد شد.

فاطمه مهاجرانی در حاشیه جلسه دیروز هیئت دولت در واکنش به برگزاری برخی تجمعات در روزهای گذشته گفت: درباره عملکرد وزارت کشور درخصوص برخی تجمعات سؤالاتی مطرح بود که وزارت کشور در این خصوص اطلاعیه‌ای منتشر و اعلام کرد با شناسایی بانیان، با تجمعاتی که نظم و آرامش جامعه را برهم می‌زند، برخورد خواهد شد.

مهاجرانی با اشاره به مصوبات جلسه هیئت دولت، گفت: در این جلسه آیین‌نامه اجرایی برنامه هفتم در مورد موضوع تعیین ارزش اقتصادی آب و الزام صنایع آب‌بر به استفاده از آب‌های نامتعارف به تصویب رسید.

وی افزود: موضوع دیگر در راستای

آیین‌نامه اجرایی برنامه هفتم، موضوع شاخص‌ها و معیارهای اضافه‌برداشت آب و نصب شمارشگر یا همان کنتور و زمان و روش قطع موقتی سهمیه آب بود. یکی از مصارف بزرگ آب در حوزه آب کشاورزی است و طبیعتاً این موضوع باید مدیریت شود که با نصب این کنتورها این اتفاق خواهد افتاد.

سخنگوی دولت گفت: موضوع دیگری که در این جلسه مطرح شد و به تصویب رسید، درباره اختصاص اعتبار و تسهیلات بانکی برای جبران خسارات ناشی از وقوع سیل خرداد و تیرماه ۱۴۰۳ در استان مازندران بود که یکشنبه به تصویب رسید.

مهاجرانی افزود: اصلاح بند ۹ الحاقی به ماده ۳ ضوابط اجرای قانون بودجه وزارت کشور روز یکشنبه مورد اصلاح قرار گرفت. همچنین آیین‌نامه اجرایی قانون ساماندهی مد و لباس نیز که توسط وزارت ارشاد مطرح شده بود هم به تصویب رسید.

وی گفت: وزارت جهاد کشاورزی در راستای برنامه هفتم و ایجاد نظام رهگیری و ردیابی، بسته‌بندی و شناسه‌دار کردن محصولات خام کشاورزی، دامی و طیور، آبزی و ارزیابی باقیمانده‌ها موضوعاتی را مطرح کرده بود که روز یکشنبه به تصویب رسید.

سخنگوی دولت افزود: موضوع بعدی اصلاح حق‌بیمه سهم کارفرمایی بیمه کارگران ساختمان بود که بیمه تامین اجتماعی باید این کار را انجام می‌داد و توسط وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی مطرح شده بود.

مهاجرانی در پاسخ به سؤالی درباره انتخاب وزیر اقتصاد، گفت: در مورد وزیر اقتصاد هنوز به جمع‌بندی نرسیده‌ایم.

سخنگوی وزارت امور خارجه خبر داد

برگزاری نشست سه جانبه ایران، چین و روسیه با موضوع هسته‌ای

سخنگوی وزارت امور خارجه کشورمان از برگزاری شست سه جانبه ایران، چین و روسیه در سطح معاونین وزارت امور خارجه سه کشور، با تمرکز بر تحولات مرتبط با موضوع هسته‌ای و رفع تحریم‌ها خبر داد.

اسماعیل بقائی با بیان اینکه این نشست فردا در پکن برگزار می‌شود،افزود: در این گفتگوها که در چارچوب رایزنی‌های مستمر جمهوری اسلامی ایران با طرف‌های مختلف برنامه‌ریزی شده است، راجع به دیگر موضوعات مورد علاقه سه کشور از جمله تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی و همچنین موضوعات مرتبط با همکاری‌ها در قالب بریکس و شانگهای نیز بحث و تبادل نظر خواهد شد.

همزمان، معاون وزیر خارجه نیز در مورد محتوای گفتگوهای سه جانبه ایران، چین و روسیه در فضای مجازی نوشت: گفتگوهای سه جانبه ایران، چین و روسیه راجع به تحولات مرتبط با موضوع هسته‌ای و رفع تحریم‌ها روز جمعه این هفته در پکن و با حضور اینجانب، "ما ژائوسو" معاون وزیر امور خارجه چین و "سرگئی ریابکوف" معاون وزیر امور خارجه روسیه برگزار می‌شود.

کاظم غریب آبادی افزود: در این گفتگوها که در چارچوب رایزنی‌های مستمر جمهوری اسلامی ایران با طرف‌های ذیربط برای رفع تحریم‌های ظالمانه علیه جمهوری اسلامی ایران برنامه‌ریزی شده است، راجع به دیگر موضوعات مورد علاقه سه کشور، از جمله همکاری‌ها در قالب بریکس و شانگهای نیز بحث و تبادل نظر خواهد شد.

آغاز ثبت‌نام نوبت دوم کنکور ۱۴۰۴

ثبت‌نام نوبت دوم آزمون سراسری ۱۴۰۴ از دیروز از طریق سایت سازمان سنجش آموزش کشور آغاز شد. بازه زمانی اول ثبت‌نام در این آزمون برای پذیرش در رشته‌های با آزمون در دوره‌های روزانه، نوبت دوم (شبانه)، نیمه‌حضوری، مجازی، پردیس خودگردان دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، دانشگاه پیام‌نور، مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی و غیردولتی و رشته‌های تحصیلی با آزمون دانشگاه آزاد اسلامی، تا روز سه‌شنبه ۲۸ اسفند سال ۱۴۰۳ و بازه زمانی دوم ثبت‌نام از روز شنبه ۱۶ فروردین تا روز سه‌شنبه ۱۹ فروردین سال ۱۴۰۴ انجام می‌شود.

متقاضیان پذیرش در رشته‌های صرفاً براساس سوابق تحصیلی نیز می‌توانند مانند سایر متقاضیان، ثبت‌نام کرده و بدون شرکت در جلسه آزمون‌های مذکور، در نیمه دوم مرداد ۱۴۰۴، نسبت به انتخاب رشته‌های پذیرش صرفاً براساس سوابق تحصیلی اقدام کنند.

دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی مازندران

آگهی مناقصه/ مزایده ۳۶/م/۱۴۰۳

دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی مازندران

دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی مازندران در نظر دارد از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت نسبت به انجام مناقصه واگذاری فعالیتهای امور مربوط به خرید اقلام مواد غذایی و مصرفی و طبخ و توزیع غذا ، نقلیه (ماموریتهای درون شهری و برون شهری)، راهبری نگهداری و تعمیرات تأسیسات عمومی مکانیکی و الکتریکی و ابنیه و انجام خدمات نظارت بر بهره‌برداری کامل از سامانه مدیریت مکانیزه نگهداشت (CMMS) و نظارت بر حسن اجرای قرارداد نگهداشت تأسیسات شامل راهبری، نگهداری، تعمیرات وBMS ستاد مرکزی و واحد های تابعه و مزایده ارائه کلیه خدمات بخشMRI و سونوگرافی بیمارستان ۱۷ شهریور آمل، ارایه خدمات دارویی داروخانه مرکز آموزشی درمانی بوعلی سینا ساری و ایاب و ذهاب کارکنان بیمارستان شهدای زیرآب ازطریق بخش غیر دولتی اقدام نماید. از متقاضیان واجد شرایط جهت دریافت اسناد و تحویل پیشنهاد طبق برنامه زمان‌بندی ذیل دعوت بعمل می آید.

***مهلت دریافت اسناد :** از تاریخ ۱۴۰۳/۱۲/۲۶ لغایت ۱۴۰۴/۰۱/۰۶ .

***مهلت تحویل پیشنهاد:** ۱۴۰۴/۰۱/۱۷ .

***زمان گشایش پیشنهادها:** ۱۴۰۴/۰۱/۱۸ .

*** مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار:** به شرح مندرج در اسناد مناقصه .

*** محل دریافت اسناد و تحویل پیشنهادات:** سامانه تدارکات الکترونیکی دولت(ستاد) به آدرس WWW.SETADIRAN.IR. در ضمن به پیشنهاد های واصله خارج از درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت ترتیب اثرداده نخواهد شد.

نشانی مناقصه گزار: ساری- میدان امام (ره)- سه راه جویبار- ابتدای بزرگراه بسیج - دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی مازندران- کد پستی: ۴۸۱۵۷۳۳۹۷۱

*** اداره مناقصات و قراردادهای دانشگاه با شماره تلفن ۳۳۰۴۴۱۰۹-۰۱۱**
آماده پاسخگویی به سؤالات می‌باشد.